

## دعای ۱۱۲ - در ماه رجب



از طاووس یمانی روایت شده است که گفت: در ماه رجب بر حجر گذشته و شخصی را دیدم که در رکوع و سجود است، در او تأمل نمودم، و دیدم که علی بن الحسین (علیهما السلام) است، پس با خود گفتم: ای دل، مردی صالح از اهل بیت نبوت است. به خدا که دعایش را غنیمت شمارم، پس مراقب او گشتم، تا اینکه از نمازش فراغت یافت و دودست خود را به سوی آسمان بالا برد، و شروع به گفتن کرد:

سَيِّدِي سَيِّدِي، وَهَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ  
بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً،

سرورم، سرورم، این دستان پر از گناه من است که به سوی تو بلند کرده‌ام،

وَعَيْنَايَ إِلَيْكَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ،

وچشمانم که با امید به سوی تو دوخته شده‌اند

وَحَقُّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً،

و سزاوار است که هر کس از سر پشیمانی و فروتنی تو را بخواند،

أَنْ تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَفَضُّلاً.

تو نیز از روی کرم و بخشندگی افزون خود به او پاسخ دهی.



سَيِّدِي، أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي؟

سرورم، آیا مرا از تبارِ شقاوت‌مندان آفریدی تا عمری را در گریه و زاری سپری کنم؟

أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي؟

یا مرا در شمار اهل سعادت و نیک‌بختی آفریدی که به امید خویش مزده دهم و دلگرم باشم؟

سَيِّدِي، أَلِضْرَبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي؟

ای سرور و مولای من، آیا اندام و پیکرم را برای ضربت گرزهای آتشین خلق کرده‌ای؟

أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي؟

یا اندرونم را برای نوشیدن آب جوشان و سوزان عذاب خلق کردی؟

سَيِّدِي، لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ،

لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ،

سرورم! اگر بنده‌ای می‌توانست از مولای خود فرار کند، من اولین کسی بودم که از تو فرار می‌کردم،

لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ.

اما من به خوبی می‌دانم که از حیطة قدرت تو خارج نخواهم شد (نمی‌توانم از احاطه تو بگریزم).

سَيِّدِي، لَوْ أَنَّ عَذَابِي يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ  
الصَّبْرَ عَلَيْهِ،

سرورم، اگر عذاب من چیزی به فرمانروایی تو می‌افزود، حتماً از تو صبر بر آن را درخواست می‌کردم،

غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ،  
اما می‌دانم نه فرمانبرداری فرمانبرداران چیزی به ملک تو می‌افزاید

وَلَا يُنْقِصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ.

و نه نافرمانی گنهکاران چیزی از آن کم می‌کند.

سَيِّدِي، مَا أَنَا، وَمَا خَطْرِي؟

سرورم، من ناچیز، چه هستم و چه شأن و جایگاهی دارم؟

هَبْ لِي خَطَايَايَ بِفَضْلِكَ،

گناهانم را به فضل خود بر من ببخش

وَجَلَّلَنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ.

و مرا در پرده رحمت خودت بپوشان و به بزرگواریت، از توبیخم چشم‌پوشی کن.

إِلٰهِي وَسَيِّدِي، ارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي  
أَيْدِي أَحِبَّتِي،

محبوبم و سرورم! به من رحم کن آنگاه که بر بستر افتاده‌ام و دستان عزیزانم مرا این سووآن سومی گردانند؛

وَارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحِ  
جِيرَتِي،

به من رحم کن آنگاه که برغسالخانه افتاده‌ام و همسایگان  
نیکوکارم مرا غسل می‌دهند؛

وَارْحَمْنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي،  
به من رحم کن آنگاه که مرا بردوش‌ها حمل می‌کنند و  
نزدیکانم اطراف جنازه‌ام را می‌گیرند؛

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحَشْتِي وَغُرْبَتِي  
وَوَحْدَتِي،

و در آن خانه تاریک، به وحشت و غربت و تنهایی من رحم کن؛

فَمَا لِلْعَبْدِ مَنْ يَرْحَمُهُ إِلَّا مَوْلَاهُ.

زیرا بنده جز مولایش کسی را ندارد که به او رحم کند.

سپس به سجده رفت و گفت:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرُّهَا لَا يُطْفِئُ،

پناه می‌برم به تو از آتشی که حرارتش خاموش نمی‌شود،

وَجَدِيدُهَا لَا يَبْلَى،

و تازگی‌اش کهنه نمی‌گردد،

وَعَطْشَانَهَا لَا يُرَوَّى.

و عطش گرفتارانش هرگز فرو نمی نشیند.

آنگاه گونه راستش را برگرداند و گفت:

اللَّهُمَّ لَا تُقَلِّبْ وَجْهِي فِي النَّارِ بَعْدَ تَعْفِيرِي

وَسُجُودِي لَكَ بِغَيْرِ مَنِّ مَنِّي عَلَيْكَ،

خداوندا! رویم را در آتش دگرگون مکن، بعد از اینکه در برابر توبه خاک افتاده و بدون هیچ منّی در آستانت سجده کردم،

بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنُّ عَلَيَّ.

بلکه همه ستایشها فقط از آن توست و همه منّتها بر من است.

سپس گونه چپش را گرداند و گفت:

إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَأَقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَعَظَّرَفَ.

رحم کن به کسی که پس از خطا و گناه، فروتنانه به اشتباه خود اعتراف کرد.

سپس به سجده رفت و گفت:

إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ، فَأَنْتَ نِعَمَ الرَّبِّ، الْعَفْوُ،

الْعَفْوُ (مائة مرة) إِلَهِي الْعَفْوُ.

اگر من بدترین بنده بودم، تو بهترین پروردگار هستی، ببخش مرا، ببخش مرا (یکصد بار)